

معرفی نسخه

جوامع الكلام في دعائم الإسلام بطريق

أهل البيت عليه السلام

سید میرزا جزایری (زنده در ۱۰۸۵ ق)



مرکز تحقیقات کتب و ترویج علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

جوامع الکلام فی دعائم الإسلام بطریق أهل البيت علیهم السلام

سید میرزا جزایری (زنده در ۱۰۸۵ ق)

معرفی: محمد برکت



بنا بر قول مشهور، تقسیم‌بندی اصلی و چهارگانه خبر واحد به: صحیح، حسن، ثقه و ضعیف، از سوی علامه حلی (م ۷۲۶ ق) یا استادش سید جمال الدین احمد بن طاووس (م ۶۷۳ ق) صورت گرفته است.

از نظر متقدمان علمای امامیه، اگر حدیثی با قرائنی همراه باشد که افاده قطع یا وثوق به صدور آن از معصوم علیه السلام کند، حدیثی صحیح، وگرنه ضعیف است.

تقسیم‌بندی جدید، محل اختلاف بین دانشمندان بوده و مورد گفتگوی آنان قرار گرفته است.^۱ دسته‌ای از بنیان مخالف آن بوده‌اند و عده‌ای در تعریف هر یک از انواع چهارگانه و تعیین مصادیق آنها اختلاف کرده‌اند.^۲

اما قبل از قبول یا رد این تقسیم، نکته‌ای قابل توجه و دقت است که با ذکر دو

۱. الدّرر النجفیّه، ص ۱۶۵.

۲. شرح بدایة الدرایة، ص ۲۱، منتقى الجمان، ج ۱، ص ۴.

مقدمه بیان می شود.

مقدمه اول: حجّیت خبر واحد و شرایط لازم برای پذیرش خبر واحد، از مباحث علم اصول فقه است^۱ و تنوع در تقسیم‌بندی و صرف نامگذاری صحیح یا غیر آن، موجب حجّیت یا رد یک حدیث نیست و هر فقیه، بنا بر مبنای اصولی و بر اساس استنباط خود، به آن رأی می دهد و عمل می کند.^۲

گرچه اکثر فقها تقسیم‌بندی چهارگانه را پذیرفته اند، اما آن را در حجّیت، مؤثر ندانسته اند و روش های دیگر را اعمال کرده اند.^۳

مقدمه دوم: از آن جا که تقسیم‌بندی جدید، براساس اوصاف راویان موجود در سند حدیث صورت گرفته و آرای دانشمندان، در توثیق یا تضعیف یک راوی، متفاوت و امری اجتهادی است، پس یک حدیث، از حیث صحت می تواند مورد اختلاف باشد.

با توجه به دو مقدمه فوق، ذکر این نکته لازم است که کسی حق ندارد منابع حدیث شیعه را به هم زده، بنا بر رأی خویش، تعدادی حدیث را به عنوان صحیح یا غیر آن، تعیین کند و بخشی از کتاب را با نام «گزیده» ارائه دهد. همچنین شایسته نیست که ضمن تحقیق و چاپ و نشر یک کتاب حدیثی، برچسب صحیح، حسن، ثقه و ضعیف از سوی محقق و ناشر، بر احادیث آن کتاب زده شود. اما آیا از میان کتاب های حدیثی، احادیث را بر مبنای تقسیم بندی چهارگانه انتخاب کردن و آنها را ضمن تألیف جدیدی ارائه دادن، پسندیده است یا نه؟ قضاوت را به عهده خوانندگان محترم می گذاریم.

۱. مخفی نماند که تدوین کتاب های «درایة الحدیث» از لایه لای کتاب های اولیه اصول فقه انجام گرفته است.

۲. أصول الحدیث و أحكامه فی علم الدراية، ص ۶۰-۶۱.

۳. ر.ک: المنهج الرجالی، ص ۷۵-۷۸.

کتاب متقی البُحمان فی الأحادیث الصحاح و الحسان، تألیف حسن بن زین الدین شهید ثانی (م ۱۰۱۱ق)، مشهورترین تألیف از نوع اخیر است. صاحب الذریعة، کار وی را دنباله روی از علامه حلی می‌داند.^۱ دو کتاب الدر و المرجان فی الأحادیث الصحاح و الحسان^۲ و النهج الوضاح فی الأحادیث الصحاح^۳ در فهرست‌ها از تألیفات علامه حلی به شمار آمده؛ اما اثری از آنها در دست نیست و اصلاً بعید است که علامه، چنین کتاب‌هایی تألیف کرده باشد، و احتمالاً در نظر داشته که تألیف کند.

کار دیگری که در این زمینه صورت پذیرفته و از متقی البُحمان الهام گرفته، ولی از نظر کمّی و کیفی با آن تفاوت بسیار دارد، کتاب جوامع الکلام است. متأسفانه این اثر، همچنان در زوایای گنجینه‌های خطی باقی مانده و پژوهشگران، چشم‌انتظار نشر و چاپ و بهره‌برداری از آن هستند. امید است که با همت بزرگان، این نقیصه بر طرف گردد. موضوع این مقال، معرفی این اثر گران قدر است.

مرکز تحقیقات و ترویج علوم اسلامی

مؤلف

نویسنده این کتاب، محمد بن شرف الدین علی بن نعمه الله بن حبیب الله بن نصر الله حسینی موسوی، مشهور به «سید میرزا جزایری» است. وی از دانشمندان و محدثان قرن یازدهم و از مشایخ روایت حدیث بزرگانی چون علامه مجلسی، شیخ حرّ عاملی و سید نعمه الله جزایری است. او مدّت مدیدی در حیدرآباد، در محضر محمد بن خاتون عاملی بوده و کسب فیض نموده است. با این‌که صاحبان تراجم از وی به بزرگی یاد کرده‌اند؛ اما هیچ شرح و تفصیلی از زندگی، تاریخ تولّد و وفات وی

۱. الذریعة، ج ۲۳، ص ۵.

۲. همان، ج ۸، ص ۸۷.

۳. همان، ج ۲۴، ص ۴۲۷.

ارائه نشده است.

شیخ حرّ عاملی در *أمل الآمل* از او این گونه یاد می‌کند:

السید میرزا محمد بن شرف الحسینی الجزائري، كان من فضلاء المعاصرين، عالماً فقیهاً محدثاً حافظاً عابداً، من تلامذة الشيخ محمد بن علي بن خاتون العاملي ساکن حیدرآباد، له کتاب کبیر فی الحدیث جمع فیہ أحادیث الكتب الأربعة و غيرها نرویه عنه.^۱

علامه مجلسی، طی اجازه‌ای که در سال ۱۰۸۵ق، به یکی از شاگردانش در مشهد مقدّس داده، از جزایری این گونه یاد می‌کند:

ومنها ما أخبرني به إجازة السيد العالم الفاضل المحدث البارع محمد الشهير بسيد ميرزا - أدام الله فضله - عن والده السيد الأجدد شرف الدين علي بن نعمة الله الموسوي - طاب ثراه - عن شيخ المحققين الشيخ عبد النبي بن سعد الجزائري - أفاض الله على تربته الزكية - عن الشيخ الأعظم الأفخم مروج المذهب، نور الدين علي بن عبد العالي الكرکي - نور الله مرقده - إلى آخر ما مضى من سنده.^۲

با توجه به سال تألیف *أمل الآمل* که ۱۰۹۸ق است و اجازه علامه مجلسی که به سال ۱۰۸۵ق صادر شده، سال وفات مؤلف، بین این دو سال است.

صاحب مستدرک، درباره سید نعمة الله و کتابش می‌گوید:

السيد السند المحدث النحرير، السيد محمد المشتهر بسيد ميرزا الجزائري، ابن شرف الدين علي بن نعمة الله الموسوي، المتوفى سنة ۱۰۹۸.

صاحب جوامع الکلم، و هو کتاب کبیر فی الحدیث، جمع فیہ أحادیث الكتب الأربعة و غيرها، و له رموز مخصوصة للكتب التي ينقل عنها. رأيت مجلداً منه في كرمانشاه، و هو کتاب شریف نافع.^۳

۱. *أمل الآمل*، ج ۲، ص ۲۷۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۱۰، ص ۱۵۹.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۲۰، ص ۱۷۸.

در نسخه چاپ سنگی مستدرک، سال وفات نیامده و در چاپ جدید آن، اشاره نشده که این سال وفات، از چه نسخه یا منبعی ذکر شده است.

مؤلف، به سال ۱۰۷۴ق، به علامه مجلسی اجازه حدیث داده است. وی بعد از مقدمه می گوید:

فالتمس منّي - أدام الله أيامه، و قرن بالسعود شهوره و أعوامه - إجازة بعض ما صح لي روايته عن مشايخي العظام و أسلافي الكرام. و هو ما حدثني به إجازة في الصغر أبي السيد الأوحّد و الشريف الأمجد، شرف الدين عليّ بن نعمة الله الموسوي - نور الله تربته - بحق روايته عن رئيس الإسلام و المسلمين و سلطان المحققين و المدققين، الشيخ عبد النبي بن سعد الجزائري - سقى الله تربته صوب الرضوان و فسخ له في درجات الجنان - بحق روايته إجازة عن الشيخ الأعظم نادرة الزمان و نتيجة الدوران، العلامة الفهامة نور الدين عليّ بن عبد العالي الكرّكي، و هذا أقصر طريقي في الرواية.^۱

طریق سید میرزا جزائری به محقق کرکی، چند نکته را روشن می کند.

۱. مؤلف در اوایل عمر، از پدرش اجازه روایت حدیث اخذ کرده است.

۲. کوتاه ترین طریق روایت حدیث او همین است که در این اجازه آمده است.

۳. این که صاحب ریاض العلماء، روایت شیخ عبد النبی جزائری از محقق کرکی را بدون واسطه، بعید دانسته، وجهی ندارد.

۴. سید عبد الله شوشتری در الإجازة الکبيرة، از عبد النبی جزائری فقط با واسطه سید میرزا جزائری روایت نقل می کند که باید اشتباه یا سهو کاتب باشد.^۲

همچنین بنا به گفته روضات الجنات، شیخ ابو محمد احمد بن اسماعیل جزائری غروی، صاحب کتاب آیات الأحکام نیز از سید میرزا جزائری حدیث نقل می کند.^۳

۱. همان، ص ۱۳۶.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲۰، ص ۱۷۹.

۳. روضات الجنات، ج ۷، ص ۹۲.

مشایخ مؤلف

علاوه بر پدر مؤلف که در اجازه علامه مجلسی آمده و همچنین ابن خاتون عاملی که مؤلف در مقدمه جوامع الکلام، هنگام ذکر طرق حدیثی اش فقط از او نام برده است، بنا به تصریح روضات الجنات، سید میرزا جزایری از فیض الله بن عبد القاهر تفرشی و سید میرزا محمد استرآبادی نیز حدیث نقل می‌کند.^۱

سید میرزا جزایری، مشرب اخباری داشته است و گفتار و داستان‌های نقل شده از او به این مطلب تصریح دارد. در روضات الجنات آمده است:

وقد ذكر السيد نعمة الله الجزائري في كتابه المقامات أنّ شيخه السيد محمد الجزائري منكر لوجود المكروه في أحكام الشريعة، بل لورود شيء من المناهي على هذا الوجه؛ زعماً منه أنّ النهي يفيد التحريم مطلقاً...^۲

در طبقات اعلام الشيعة نیز آمده است:

وذكر المحدث الجزائري في منبع الحياة مناظرة أستاذه جعفر البحراني مع شيخه المحدث صاحب جوامع الكلام في جامع شیراز في حجية ظواهر الكتاب، حتى قال شيخه المحدث: إنّ «قل هو الله أحد» يحتاج في فهم معناه إلى الحديث؛ لأنّنا لا نعرف معنى الأحديّة ولا الفرق بين الأحد والواحد وغير ذلك. فيظهر أنّه أخباري يفتح باب التأويل، وكان قاطن شیراز...^۳

جزایری در دیباجة جوامع الکلام، در اهمیّت «علم الحديث» می‌گوید:

وإنّ ما سواه (علم الحديث) من العلوم مستند إليه، وما عداه من العقائد والمعارف معتمد عليه؛ حيث إنّ كلّ دليل لا يشهد له السمع فهو عليل وعلّة، وكلّ علم لا يستند إلى الشرع فهو جهل وهم وضلّة...

۱. همان‌جا.

۲. همان، ص ۹۱.

۳. طبقات اعلام الشيعة (قرن دوازدهم)، ص ۶۰۳.

جوامع الکلام فی دعائم الإسلام بطریق أهل البيت علیهم السلام

این کتاب، دایرة المعارفی حدیثی است که در آن، احادیث اصول عقاید، فروع دین، اخلاقیات و نصایح، از میان کتب اربعه و دیگر کتاب‌های مرجع حدیثی جمع آوری شده است. عنوان‌های اصلی کتاب، «عقد» نام گرفته که هر عقد، دارای چند «سمط» و هر سمط، دارای چند «جوهره» است. نویسنده، برای هر کتاب مرجع، رمزی قرار داده که در ابتدای حدیث آمده است. همچنین احادیث را از نظر صحیح، حسن و ثقه بودن تعیین کرده و آنها را با رمز، مشخص کرده است و در جاهای مختلف با آوردن «اقول»، نکات رجالی، استنباطی، لغوی و... را بیان نموده است:

کتاب، مشتمل بر یک مقدمه، چند عقد و یک خاتمه است. مقدمه دارای ۲۴ مسئله است که برخی در بیان فواید رجالی است و برخی نیز نکات درایة الحدیث را در بردارد.

این کتاب، احتمالاً تنها تألیف سید میرزا جزایری است و یقیناً دلیل شهرت وی، یادداشت کوتاهی است که مرحوم آیه الله مرعشی علیه السلام بر روی نسخه‌ای از کتاب او نوشته و توصیفی کوتاه از کتاب و مؤلف کرده و در آخر گفته است: له مؤلفات کالتعلیفة علی الفقیه و علی الکافی و علی الصحیفة الکاملة السجّادیة و دیوان شعر و غیرها. سید میرزا، دلیل تألیف کتاب خود و تفاوت کمی آن را با متنی البّهتان و چگونگی کارش را این گونه بیان می‌کند:

والتمس مني بعض إخواني وأصحابي - حيث وقع إليه كتاب متنى البهتان في الأحاديث الصحاح و... - وهو كتاب احتوى على بدائع التحقيقات، و مجموع انطوى على روائع التدقيقات، قد سلك فيه مسلكاً لم يسبق إليه، و نهج فيه منهجاً لم يُظفر بمثله و لم يعثر عليه، غير أنه اقتصر فيه على مجرد الصحيح و الحسن، و اعتمد فيه على الكتب الأربعة دون غيرها من كتب الفن - أن أجمع فيه كتاباً تكمل فيه الأقسام الثلاثة كلها،

و تتصل به فروع دین الإسلام بأصلها، غیر مقتصر فيه على كتاب دون كتاب، و لا تارك منه القصص و المواعظ و الآداب، و أن أخذو في الجميع حذوه و أسلوبه، و أغدو على حرثه بكل راقعة و أعجوبة، من تصحيح أكثر ألفاظ القرينة ضبطاً و تفسيراً، و إيضاح ما عساه أن يسنح من معانيه ما يكون عسيراً، و التنبيه على سهو الراوي في متن أو سند، و الإشارة إلى الوجه اللائق في ذلك و المعتمد، و حل الإشكالات على اختصار في الكلام و طي الكشع عن تنسيق العبارات على أبلغ النظام يوجب الإيهام، و إغماض عن ذكر المطلوب بالتلميح و الإشارة و تأييد المقصود على وجه المجاز و الاستعارة؛ إذ ذاك لعمرى جدير بالخطب و الأشعار، حقيق أن تنزه عنه الأحاديث و الأخبار.

اما تفاوت کیفی این کتاب با متقی البخمان را براساس بینش و برداشت مؤلف از تقسیم‌بندی جدید و قدیم خبر واحد و تسلط وی بر احادیث و علم رجال باید دنبال کرد. مؤلف بر این اندیشه است که دو تقسیم، هیچ تفاوت اساسی و مبنایی با یکدیگر ندارند و فقط در تقسیم‌بندی جدید، خبر واحد صحیح، به سه دسته صحیح، حسن و ثقه تقسیم شده، و این دو قسم اخیر، از نظر اعتبار کمتر از صحیح نیستند و ثمره این تقسیم‌بندی در تعارض بین خبرها ظاهر خواهد شد. برای بهتر آشنا شدن با بینش مؤلف، تمام مسئله اول، آورده می‌شود:

المسألة الأولى: اعلم أن الخبر على ضربين، متواتر و هو ما أفاد بنفسه العلم، و آحاد يفيد إن اقترن بقرينة توجبه، و لا يفيد إذا عري عنها، و نعي بالقرينة الإجماع على نقله، أو على الفتوى بمضمونه، أو اشتهاره من غير تكبر، أو اشتهاره كذلك، أو معاضدته للمقطوع به من هذه الجهات صريحاً أو فحوى أو دلالة، و لا يكاد يوجد من أحداثنا المعمول عليها المتصفة طرقها بأحد الأوصاف الثلاثة - على ما سيجيء التنبيه عليه - إن شاء الله تعالى - خال من ذلك؛ لأننا نعلم بالضرورة تواتر هذه الكتب عن مؤلفيها إجمالاً. و نجزم يقيناً؛ لقيام القرينة من تلقى المشايخ - رضي الله عنهم - لها بالقبول، و روايتهم لها، و الفتوى بمضامينها خلفاً عن سلف، و شدة الاعتناء بها، بعدم تطرق وضع أو نقصان في النقل إليها بوجه تفصيلاً، و أنت إذا عرفت ذلك و سبرت الأحاديث بعضها من بعض على تعدد مواضعها من الكتب و تكرر ورودها فيها، تبين من روايتها بالطرق المتعددة اشتهارها في السلف من غير تكبر، و إن لم تطلع على أصولهم و مصنفاتهم و ما لا تختلف

طرقه منها في الكتب يستعلم حاله من المتكرر بأدنى فكر، حيث يكونان من كتاب واحد، و يعلم من تتبّع الفهارسة والأصول اشتها روية الكتاب، والأخذ من مؤلفه، أو يكونان متّحدي السند، أو يكون كتب أولئك الذين تضمّنهم السند مشهورة العمل والرواية بين السلف، كما مرّ، وتبيّنت أيضاً فائدة التقسيم إلى الأقسام الأربعة المشهورة، و امتياز الثلاثة على غيرها، و قبول مراسيل من قبلت مراسيله، و ردّ من ردّت، و تزييف العمل بالخبر الواحد الصرف عند من زيّفه، و قبول هذه الأخبار التي في هذه الكتب عند قابلها، و قبول قول المزكّي بقول الواحد، و عدّ من أكثر الأجلاء عنه الرواية صحيح الحديث وإن كان مجهولاً، و تسمية الرواية صحيحة وإن كان في طريقها غير إمامي، إلى غير ذلك من كلامهم. وما وقع للمتأخّرين - رحمهم الله - من شدّة الاعتناء بالتعريفات و المحافظة على طردها و عكسها و الحكم عليها، فذلك من متعارفاتهم في النية و غيرها، و ليس له في كلام السلف ذكر، و ما هذا شأنه فليس بحجّة. على أنّ تصريحات القدماء شاهدة بصحّة ما قدّمناه كما قرّنا، وإن كان ما فهمه المتأخّرون عنهم خلافاً، من كونه اصطلاحاً جديداً بجميع أقسامه؛ حيث إنّ مفاد ما قالوه يرجع إلى أنّ الصحيح يقال على الأقسام الثلاثة، و هو المؤيّد بكلام السلف - رضي الله عنهم - وإن خصّوا الآخرين باسمي الحسن و الموثّق كما أشرنا، و هذا بحمد الله سبيل واضح لمن تدبّر، و طريق مستقيم لمن عقل و تبصّر، و فيه كفاية للمنصف إذا ضبط حدوده إن شاء الله تعالى.

همچنین در مسئله ششم از مقدمه می گوید:

المسألة السادسة: اعلم أنّ الطريق و السند يقالان لمجموع سلسلة الرواة إلى المعصوم، و ينقسم إلى متّصل و غير متّصل، و المتّصل إلى معلول و غير معلول، و نعي بالمعلول المقطوع أو المرسل فيما ظاهره الاتّصال لأسباب خفيّة يستخرجها الماهر، توجب له القطع أو غلبة الظنّ.

و أهل الدراية يسمّون حذف أوائل السند تعليقاً، و أواخره إرسالاً، و الحذف فيما بينهما قطعاً؛ فالمتّصل غير المعلول إن كان ثقات إماميين أو من يقوم مقامهم منهم فصحيح، و المراد بمن يقوم مقام الثقات الإماميين مرسل من يُقَلّ الإجماع على تصحيح ما يصحّ عنهم، و إلّا فإن اشتمل - و الحال هذه - على ممدوح منهم بما لا يبلغ التوثيق فحسن، و إلّا فإن اشتمل - و الحال هذه - على ثقة غير إمامي أو كان ثقات غير إماميين فموتّق،

وإلا فضعيف.

و بذلك تعرف حدودها الأربعة اللفظية.

ثم أعلم أنّ فائدة التقسيم إلى الأقسام الأربعة المذكورة و تمييز بعضها عن الآخر إنّما تظهر عند الترجيح مع التعارض، و إلا فقد ثبت - بما تقدّم - أنّها ما عدا الضعيف تفيد ثبوت الخبر عن المعصوم مفضلاً، فالصحة بهذا الاعتبار يشملها، و هي واقعة على الخبر لا على طريقه، و هو مراد العلامة إذا وصف بها من ليس طريقه بصفة الصحيح، و هو متعارف السلف - رضي الله عنهم -.

فوائد رجالی کتاب

مؤلف، همان گونه که در جای جای مقدمه اشاره کرده، تسلط وسیع و کافی بر اسانید حدیث، داشته است. او در مقدمه و سپس ضمن عنوان «أقول»، فواید رجالی بسیاری را ذکر کرده که بعضی از آنها به طور مختصر بیان می‌گردد:

۱. اگر یک راوی عادل و شناخته شده، به دفعات، از یک راوی مجهول حدیث نقل کند، این کثرت نقل حدیث، دلالت بر وثاقت مروی عنه می‌کند. وی در مسئله ۳، بعد از اثبات مدعایش نام تعدادی از این افراد را ذکر کرده است.

۲. اگر سند حدیثی شامل راویانی باشد که با الفاظ توثیق، بر آنها تنصیصی نشده است، آن حدیث از احادیث صحیح شمرده می‌شود نه حسن. ضمن مسئله ۴، به این نکته اشاره شده و نام دسته‌ای از این راویان، آمده است.

۳. برای تزکیه راوی حدیث شهادت یک عادل، کفایت می‌کند.

۴. کلمه «ثقة»، دلالت بر عدالت شخص نمی‌کند.

۵. کتب اربعة رجال، برای جرح و تعدیل تألیف نشده‌اند و اگر جرح و تعدیلی در آنها ذکر شده، استطراداً آمده است. در کتاب‌های حدیث، بخصوص کتب اربعة حدیث، تعداد زیادی از راویان، تزکیه شده‌اند و در آخر مسئله ۱۰، نام آنان آمده است.

۶. نام کسانی که در مکانی غیر از محل اصلی و یا به همراه کسان دیگری ذکر

شده‌اند و بر این اساس، وصف آنان نزد عده‌ای از دانشمندان علم رجال مجهول مانده، در مسئله ۱۱، ذکر شده و توصیف گردیده است.

۷. دسته‌ای از راویان، مکرر ذکر شده‌اند و عده‌ای توهم کثرت آنها را داشته‌اند، در حالی که متحد بوده، یک نفر بیشتر نیستند. ضمن مسئله ۱۲، همراه با ذکر علت‌های تعدد و تکرر، نام واحد آنها ذکر شده است.

۸. گروهی از راویان حدیث، بدون دلیل موجه، مورد طعن قرار گرفته‌اند، در صورتی که افرادی موثق بوده‌اند. در مسئله ۱۳، نام این گروه ذکر شده و دلیل وثاقت آنان نیز بیان شده است.

۹. وقتی ثابت شد که حدیثی با سند، از کتاب معتبر و معینی صادر شده، اگر طریق وصول به آن ضعیف باشد، ضرری به صحت حدیث نمی‌زند.

۱۰. در مسئله ۲۰، علت‌های به هم ریختگی ظاهری سندهای حدیث که موجب می‌شود افراد غیر خبره نتوانند آن را تشخیص دهند، ذکر شده و سپس به موارد آن، اشاره شده است:

الف - مواردی که بین راوی و مروی عنه اختلاف شده است؛

ب - دسته‌ای از اسانید که حکم به قطع آنها می‌شود؛

ج - مواردی که عطف بین دو راوی است؛

د - دسته‌ای که در آنها ذکر شده از فلان شخص حدیث نقل نمی‌کنند، در حالی که در اصول، خلاف آن ثابت شده است.

۱۱. ضمن مسئله ۲۰، نام کسانی که باکنیه در اسانید آمده و نزد برخی مشخص نبوده‌اند، بیان شده است.

فهرست مطالب «جوامع الکلام»

بنابه تصریح روضات الجنات (ج ۷، ص ۹۱)، جوامع الکلام تا «کتاب الحج» نوشته

شده است؛ اما بنا بر فهرستی که در ابتدای نسخه شماره ۴۰۲۷ کتابخانه آیه الله مرعشی آمده و فهرست عقد یازدهم تا نوزدهم و خاتمه را به طور تفصیلی بیان کرده، و همچنین طبق نسخه‌ای که صاحب الذریعة آن را دیده و خاتمه کتاب بوده، می‌توان گفت که مؤلف، کتاب را تمام کرده است.

مؤلف کتابش را در نوزده عقد و هر عقد را در چند جوهره و هر جوهره را در چند سمط، تنظیم نموده، که عنوان عقدهای آن چنین است:

مقدمه: شامل ۲۴ مسئله

عقد اول: اصول و معرفة الله

عقد دوم: نبوت

عقد سوم: ائمه

عقد چهارم: ایمان و کفر

عقد پنجم: دعا، قرآن و عترت

عقد ششم: طهارت

عقد هفتم: صلاة

عقد هشتم: زکات

عقد نهم: روزه

عقد دهم: حج

عقد یازدهم: مکاسب و توابعش

عقد دوازدهم: صید و ذباحت

عقد سیزدهم: قضا و احکام

عقد چهاردهم: عتق، نذر و کفارات

عقد پانزدهم: نکاح

عقد شانزدهم: حدود و توابعش

عقد هفدهم: دیات، قصاص و احکامش

عقد هجدهم: وصایا

عقد نوزدهم: میراث

خاتمه: احادیث متفرقه (الروضة)

نسخه‌های شناخته شده «جوامع الکلام»

از این کتاب تاکنون نسخه‌های متعددی شناسایی گردیده که مشخصات آنها

چنین است:

۱- نسخه شماره ۵۷۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تحریر اول ربیع الثانی ۱۲۹۵ ق خوانا، از اول کتاب تا جوهره دهم از سمط یکم از عقد پنجم (فهرست، ج ۵، ص ۱۲۷۲).

۲- نسخه شماره ۴۸۲۱۰ کتابخانه مجلس، تحریر قرن یازدهم، یادداشت سید نعمة الله جزایری در پشت برگ اول نسخه است. (فهرست، ج ۱۳، ص ۲۳۲).

۳- نسخه شماره ۷۵۴ کتابخانه مجلس، مجموعه طباطبائی (فهرست، ج ۲۳، ص ۴۰).

۴- نسخه شماره ۴۰۲۷ کتابخانه آية الله مرعشی، کتابت: ابراهیم بن علی بن موسی عاملی، ۱۰۸۰ ق، از اول کتاب تا پایان عقد ششم. (فهرست، ج ۱۱، ص ۳۱).

۵- نسخه شماره ۵۰۳۵ کتابخانه آية الله مرعشی، عقد چهارم و ششم. (فهرست، ج ۱۳، ص ۲۳۲).

۶- نسخه شماره ۶۲۵۰ کتابخانه آية الله مرعشی، بخشی از عقد هفتم. (فهرست، ج ۱۶، ص ۲۳۵).

۷- نسخه شماره ۱۹۹۰ کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابت: محمد امین

نایینی، ۱۰۹۳-۱۰۹۷ق، جلد اول و دوم. (فهرست، ج ۵، ص ۶۹).

۸- نسخه کتابخانه مدرسه علمیه امام عصر (عج) شیراز، تحریر قرن یازدهم، عقد هفتم و هشتم، ناقص الآخر.

۹ تا ۱۳- کتابخانه مرکز احیاء التراث الاسلامی، قم، نسخه‌های شماره ۲۶۱۶ (عقد ششم تا عقد نهم و خاتمه کتاب)؛ ۲۷۱۷ (عقد چهارم)؛ ۲۶۶۲ (عقد اول)؛ ۲۶۵۷ (عقد یازدهم تا نوزدهم)؛ ۲۶۶۳ (عقد هفتم تا نهم).



سلسلة فهرست الجملد اول من جوامع الكلام

مسئله الخبر على ضربين متواتر وبعاد سلسله في العلم باخبار الواحدا
مسئله اكتساب العدل لرواية الاحاد بدخل في البيع مسئله اطلاق بعض
كسب طريق من لم يوثق سلسله في الاكتفاء بترك الراوي بخبر الواحد
مسئله اطلاق الطريق والسند نقلاً ان مجموع سلسله الخبر سلسله صحيحه ما وكتب
مسئله الاشبه اعتبار الرتبة للمجموع للترتيب سلسله قولهم فلان ثقة هل يدل
على عداله ام لا سلسله قصر بعض المتأخرين التركية على ما ورد في الكتب لا يعمه
مسئله قد يترك الرجل مع آخر واحداً او اكثر في التركية سلسله اعلان من ارجا
من يصف باوصاف متعددة سلسله قاطع في جاف من شيخه العصاة
مسئله لكل من المشايخ طريقه لا تشبه الآخر وعلامات المكتبات لما احل
مسئله في ذكر طرق الى رتبة هذه الاصول سلسله في ذكر الطرق الى الدين
علق عنهم الصدوق رحمه الله في لقيه سلسله في مواجدها بيان جزم
مسئله اعلان قد يستعمل الحديث على احكام عدة والطبقات سلسله في
روايات عن رجال الحكم سلسله قد روى الصدوق وشيخ الطائفة عن جمع
مسئله اعلان السلف قد استقر امرهم على بيعهم بخلاف سلسله في تلك متفرقة
مسئله قد ثبت بما تقدم حجه الاخبار الموعول عليها العقل لا ر
في الاصول وفيه سموط السند في التوحيد وفيه جوامع
جوهره في فضل العقل ومزقه جوامع في فضل العلم وبعلاقات جوهره في
رواية الكتب وضم التقليد والراي عرض في ان الكتاب والسنة بهما تبيان كل
جوهره في ان للتدين حدودها وحكم من تعداها جوهره في حديث العائش

سلسلة
من علام الفقه وفضلها العلماء
من في الكتاب على العالم

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

تحمده لله الذي فطر على خلقه معرفة عقول العالمين ، وسطريات نباتات وحدائقه على هويتها
الكائنات بنصرة وذكرى للعالمين ، الذي تقرر بالقدر والعلم والقدر والتكثير ، وتزود من المشبه
والمثال والتغير والرفل والحركة والاستفال والاحاطة به والتضمين ، والذي خلق الخلق بلا مثال
سبق على اصح فج ونسق واحسن وجه واليق واوثق صنع وادق تبارك الله لحسن الخالقين
والذي صطفى الانسان وعلمه البيان وفضله على الملك والجان فامرهم بالسجود له اجمعين
احمد على لطائف بلائه لحسن الجليل واشكره على عطف آلائه على الجبال والتفصيل ، واشهد
لا اله الا الله وحده لا شريك له الهنا واحداً اصمداً حياً قيوماً لا يتخذ صاحبة ولا ولداً كلف
بسير وامر خيرا ، ونهى عن ذل لم يعص مغلوباً ولم ينفع منكراً ولم يخلق الخلق عبثاً ذلك لظن الكافرين
واشهد ان محمداً صلى الله عليه واله وسلم ، وبشهادة ليله وعينه وسيله وخبرته وصفوته
ارسله باهري ودين الحق بشيراً ونذيراً ليطهر على حجة الدين اصطفاه على الخلائق بقدرته
وارضاة لدينه بخبرته وجعله الامين على حبه والصاحب بامر وهيبه وابتعده من اشرار الارباب
واركبا لعناصير واكرم الفاضل وفضل الامور بحسب به اثار السلف من المرسلين ويقوم به منار الحجة
على الباقيين بخلق الرسالة ونفى بالدلالة وانقذ من الضلالة وجاهد في الله حق جهاد حتى تلاء
اليقين ، واشهد ان الخليفة من بعد بلائه صلى الله عليه واله وسلم هو منه خيرة الجنس والفضل الحق وابن عمه
وابو ولد علي بن ابي طالب ميل المصطفى الذي اقام عمود الاسلام ورفع المشركين وانشاد اركان
الاميان وباد صناديد الطائعين خليفة الله في البرية والعدل في القنينة نفس الرسول وزوج
القبول الذي عذبه علم الكتاب واتاه الله الحكمة وفضل الحب بالانزع البطيخ وحجابه لنا كمين
والقاصصين والمراقبون ، واشهد ان اولاده الاحد عشر خلقاً الله على الخلق والارواح باحق من
لحق اصطفاهم الله على من برا وجعلهم شهداء على من ذل وطهرهم من الاثام وباد ناس وادب
ذكرهم الصلو على الناس صلى الله عليه وسلم اجمعين صلوة لا يجزها امد ولا ينضبها حسا ولا

صلوة تبلغهم فاضل محل من الكلامه ولسانه واجل مقام من اللفظ اعلاه صلوة تفصم صدور
 المحلدين وتفصم ظهور المعاندين وتنجي من كل هول يوم الدين فيقول راجي غفر
 ربه الغني محمد بن شرف الدين الحسيني احلها الله بليته ولحقه بنيته وغفرته ان اوليا
 تبيض فيه للمفارق وتجاب عليه فيافي المغارب والمشارق وتقضى فيها للذات والشهوات
 والآيام والليالي والساعات افتتأ العلوم وادراسها واكتسب المعارف واقتباسها وارسا
 اعتقاداتها في مهامه تبارها وقصر مطامح الانظار على مطالعة انوارها ومشاهدة
 اسرارها وان اجل العلوم قدرا واعظمها شاننا وفخر علم الحديث الذي قد علا في الفخر
 قدرة وساقى سما العليا ندر كيف وقد تضرع للفرص من الاجياد واستعمل على المطالب الاقرب
 سبيل الرشاد وكفى به شرفا كونه ميراث الانبياء وخلة الاصفياء والاولياء وان ما سواه
 مستنلaid وما علاه من العقائد والمعارف معتد عليه حيث ان كل دليل لا يشهد له
 السمع فهو عليل وعلة وكل علم لا يستند الى المشرع فهو جهل ووهم وضلة بيد ان نحن
 تيار عبابه ومطر مدراس حابه بسيله صعبا ملسا والمرئى ومجد مرتفع الصهوة
 والذرى لا يصطلي وطيب الاكل اطاروع ولا يقوم بحظه وخيسدا الاكل ايسل سميع
 قد استقل اللامعة من لفظرة النامة والفضحة واشتغل من العلمية العامة على سلاحه
 غدوة ورواحه وافترع باع طويل في المعاني والبيان ونقر عن نكات العلوم الالهية
 وحكميه وهو واريمان وطعن في ثبات عوحيات المعاني المحزنة جلويل ربح قريحته
 السبالة ولعل على استخراج غوامض العلوم المكنونة بخيل فكة الثاقب والجمال حيث ان
 مصدره ينبوع البهجة وزهوا ومرددة مشكاة الخطاب وقطبها وزني بعد ان ثبت نصا
 القبا بما لا طائل منه واذهبت فضارة العزى لم يبق سوى تبعته وفي الله عز وجل فتاقت
 النسر بعد نفورها التي بركة اوطانه ووزارة اصحابه وحلانة فخرت حبا هتمت من حياتهم
 عددا وجئت فطلبه فكري ونطق على علم اي الحزين احصى المشغول اما غيرة حلت على
 احواله وانعت من الرسوم وسفت منه الاطلاة فاد من الله تعالى بكرمه وتدا كثر حنونه
 واوله افضل الله على رحمة لكت من الخاسرين فواصلني الى خدمته المولى الاعظم والشيخ الاكرم جليل

اعلوم

نات

صفات مكارم الاخلاق والشمح حاوي مات اعظم اهل الافاق على الوجه الامت جعل
 ملجأ ندب كرم. تقفي اصل مولد همام. محاسن محيطها نظام ومجد لا ينال ولا يرام
 وفضل الوقت المعض منه على جهل الخلافة لا يستقامول. وعز شامخ الاطوار تهوى
 جانب الكواكب النعام. قاله عز الاسلام ونحو السليح بل اعتقاد اعظم الملوك والسلاطين
 شمس الملة والدنيا والدين اهل المعالي محمد بن المرحوم المبرور علي بن خاتون الطوسي العا
 خلا لله تعالى ايام دولته واقباله وانعم بالسعود ابداء عيشه وباله... وعنت له النعي
 وذلت له المني وحلت بن عداة قاصدة الظهور ولا برحت عنه العادة ساعة. ولا عبرت
 ليامه نوب الدهر فعلن من المني فضاله حميا العرفان وانلنى من صها انظاره كوني
 الجود والاحسان فاورقت من احوالي لا غصان الذابرة واورقت من آسالى الجبل الخاؤ
 وطائر يني واستوى جناحي وصاح بي حيي على الفلاح فخلاني حلاى الشوق الى تعا هدة من
 البين ودعاني الى المفكرى مقاصد ومطالبه بان ارجع البصر كرتين فلبثت في مدين مقدسة
 فافنى نار العرفان واليقين فابيت منها اهل شهاب فبس لعلمهم يصطلون وقلت ايت علي
 اعين الناس اهلهم يشهدون وانفس منى بعض اخواني واصحابى حيث وقع اليه كتاب منتقى الجا
 في الاحاديث الصحاح والحسن من تصانيف اهل الحق والعالم الرباني المردق ابو محمد الحسن
 الفاضل السعيد الشهدى الملة والدين العالمى تغدها الله برحمته واسكنها اريا من جنسنة
 وهو كتاب حصوى على يد افع التحقيقات ومجموع اظوى على رواع التدقيق قد سلك فيه مسلكا
 لم يسبق اليه ونجح فيه منهجا العيظف عتبه ولم يغير عليه غير انه اقتصر فيه على محمد الصحيح
 واعتمد فيه على الكتب الاربع دون غيرها من كتب الفرض ان اجمع فيه كتابا تكملا فلا قام
 الثلثة كلها وتصل به فروع دين الاسلام با صلها غنة مقتصر فيه على كتاب دون كتاب ولا
 تارك منها القصص والمواظ والاداب وان احذو في الجمع حذو واسلوبه واعذو على حوته
 بكل لغة ونعوبة من تصحيح اكثر الفاظ العربية تنبها وتفسيرا وايضا ما عساه ان يفتح
 معانيه ما يكون عيرا والتنبية على وجه سهول الراوي من منى او سند ولا شان الى الوجه
 الايق في ذلك والمعتد وحل الاشكالات على اختصار ارجى الكلام وطى الكتب عن تنسيق العباد